

ایران، انقلاب و اسلام

با گذر زمان کسانی که از برپایی رژیم اسلامی ناخرسند شدند با سه داوری به میان آمدند:

۱- محمد رضا شاه پهلوی خودش فرمانروایی را به روحانیان واگذار کرد!

۲- نوشته ها و گفته های دکتر علی شریعتی انگیزه گرایش به برپایی رژیمی دینی در ایران شد.

۳- رهبری انقلاب سخنی گفت ولی راهی دیگر رفت.

دیرتر به راستی آزمایی هر سه دیدگاه خواهیم پرداخت. این زمان این پرسش را باید در میان آورد؛ نکته همانند در این سه داوری چیست؟

هر سه دیدگاه بر آن اند که که گرایشی به برپایی رژیمی دینی در مردم نبود و تنها یک تن، شاه، دکتر علی شریعتی و یا رهبری انقلاب، مردم و کشور را به برپایی چنین رژیمی واداشتند و رهنمون شدند. آیا به راستی چنین بود؟

نزد بسیاری کسان پیروزی مشروطه خواهان بر مشروعه گرایان به معنی کنار نهادن دین از پهنه سیاست ایران دانسته و دریافته شده و از آن پس کسی پروای همراهی و همکاری دین و سیاست نداشته است .

نخستین نکته ای که باید یادآور شد آن است که تا پیش از مشروطیت میانداری روحانیان در سیاست نمونه وار و فراخور رویدادی اجتماعی - سیاسی و گاه به درخواست خود شاهان می بود. قانون اساسی مشروطه، بودن روحانیان در سیاست و برنگری (نظارت) ایشان بر روند قانونگزاری را پذیرفت و گواهی کرد. از آن پس روحانیان برابر قانون ملی پروانه «وتو کردن» یافتند.

ولی برنگری دینی بر گردش کار قانونگزاری و گرداندن کار کشور تنها در همان برنگری روحانیان رده نخست کشور گرانمند و محدود نبود، که بسیاری از سیاستمداران بلندپایه کشور باور داشتند که روش پسندیده و درخور برای کشورداری برگزیدن و پیروی از انگارگان (ایده ئولوژی) اسلامی ست.

نامبردارترین سخن در این باره چنین هست: سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ما ست.

هر چند بسیاری پنداشته اند که این سخن گفته آیت الله سید حسن مدرس است درست آنکه میرزا علی اکبر شیخ الاسلام اصفهانی در نشست هجدهم خرداد ۱۳۰۱ مجلس شورای ملی چنین گفت و سید حسن مدرس در نشست مجلس و در بازخواست (استیضاح)، یک سال و سه روز پس از سخن شیخ الاسلام اصفهانی گفت: منشأ سیاست ما دیانت ما ست.

به دیگر سخن همان دیدگاه را گواهی کرد.

سپس سخنان دکتر محمد مصدق چنین است؛

«جلسه مورخ ۲۹/شهریور/۱۳۰۵ مجلس شورای ملی»

عقیده ما مسلمین این است که حضرت رسول اکرم و پیغمبر خاتم(ص) پادشاه اسلام است و چون ایران مسلمان است لذا سلطان ایران است و بر هر ایرانی دیانتمند و هر مسلمان شرافتمند فرض است در اجراء فرموده پیغمبر خدا که میفرماید: «الا یعلوا و لا یعلی علیه» از وطن خود دفاع کند اگر فاتح شد عالم دیانت و ایرانیت را روحی تازه دمیده و چنانچه مغلوب و مقتول شد در راه خدا شربت شهادت را چشیده است. «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احباً عند ربهم یرزقون»

محمد رضا شاه پهلوی نیز چنین گفت :

اسلام ، همانطوری که گفتم، اسلام روز اول است، و این کاری که ما می کنیم و این مواد انقلاب ایران، تمام استوار بر همان اصول است. از بیانات رهبر انقلاب ایران اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران (با موضوع انطباق منشور انقلاب سفید با دین اسلام) در یازدهمین سالروز انقلاب شاه و ملت در کنگره حزب ایران نوین به تاریخ ۶ بهمن ۱۳۵۲ خورشیدی - ۲۵۳۲ شاهنشاهی @Pahlavi2_history
اسلام ، همانطوری که گفتم، اسلام روز اول است، و این کاری که ما می کنیم و این مواد انقلاب ایران، تمام استوار بر همان اصول است .

آنچه که یاد شد نمونه از بسیار است و به خودی خود نشانه ای نیرومند از زمینه گرایش و باور به اسلام همچون روش شایسته کشورداری ست.